



ISSN:2588-7033



Explaining and Analyzing the Effect of Geographical Position on Military Performance of Sasanian Rule

Esmail Sangari^a, Ahmad Asadi^{b*}

^a Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

^b MA in Ancient Iranian History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

KEYWORDS

geographical position,
military activities,
defensive tactics,
Sasanian Empire

Received: 03 October 2022;
Accepted: 22 February 2023

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.3.1.7

ABSTRACT

The Sasanians were one of the important dynasties that gained power in the Iranian plateau. Given the geographical conditions and location, as well as their vast territory, it was impossible for this government not to be influenced by its environment. Geographical position was effective in the outburst of military operations of the Sasanians and their defensive and offensive battles in different internal and surrounding regions and during the period of their rule. This research concerned the effect the geographical position had on the military actions and defensive tactics of the Sasanians. The results of this descriptive-analytical research that collected data using library sources show that the Sasanians coordinated their military actions with the specific geopolitical and strategic situation of their territory, and their military actions were influenced by the geographical location of the Iranian plateau. The establishment of long military fortifications in the eastern, northeastern, and southwestern regions along with the military divisions made by the Sasanians, all were influenced by their geographical position.

* Corresponding author.

E-mail address: ahmad.asadi2040@gmail.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





تبیین و تحلیل تأثیر موقعیت جغرافیایی بر عملکرد نظامی حکومت ساسانی

اسماعیل سنگاری^{الف}، احمد اسدی^{ب*}

^{الف} دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

^ب دانش آموخته ی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
موقعیت جغرافیایی، فعالیت‌های نظامی، راهکارهای دفاعی، حکومت ساسانی	ساسانیان یکی از سلسله‌های مهمی بودند که در فلات ایران به قدرت رسیدند. این حکومت به واسطه شرایط، موقعیت و وسعت جغرافیایی سرزمین خود نمی‌توانست یا به‌نوعی امکان نداشت که تحت تأثیر محیطی که در آن قرار گرفته بود، واقع نشود. موقعیت جغرافیایی در بروز جنگ‌های گسترده و طولانی که ساسانیان در مدت فرمانروایی خود، چه در جبهه دفاعی و چه در حمله‌ها و عملیات‌های نظامی که در اکناف و اطراف سرزمین خود انجام داده‌اند، تأثیر مهمی داشته است. سؤال این پژوهش این است که موقعیت جغرافیایی در فعالیت‌های نظامی و راهکارهای دفاعی ساسانیان چه تأثیری داشته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ساسانیان در این سرزمین و موقعیت جغرافیایی حساس فعالیت‌های نظامی خود را با ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیکی سرزمین خود تطبیق دادند و فعالیت‌های نظامی آنان متأثر از موقعیت جغرافیایی فلات ایران واقع می‌شد. وجود استحکامات طویل نظامی در شرق، شمال شرق، جنوب غرب و همچنین تقسیمات نظامی که ساسانیان انجام دادند متأثر از موقعیت جغرافیایی آنان بوده است. روش این پژوهش به‌صورت توصیفی - تحلیلی است و داده‌های این پژوهش نیز به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳	

مقدمه

همواره جغرافیا و مکان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رخدادها و وقایع تاریخی بوده است. با مطالعه تاریخ می‌توان مکان یا موقعیت‌های جغرافیایی خاص را که در طی قرون و اعصار نقش‌آفرین مسائل سیاسی، نظامی بوده‌اند، شناسایی کرد؛ و با بررسی موقعیت‌های ژئواستراتژی و ژئوپلیتیکی مناطق مختلف در مقاطع زمانی خاص به اهمیت سیاسی - نظامی و در نتیجه مسائل تاریخی آن پی برد. حکومت‌هایی که در فلات ایران شکل گرفتند به دلیل واقع شدن قلمروشان در منطقه‌ای حساس و محصور بودن در میان مرزهای بحرانی شرقی، شمالی، غربی و جنوبی بخش زیادی از توان نظامی خود را صرف کنترل و دفاع از مرزهای خود می‌کردند. این موضوع موجب شد اکثر حکومت‌های ایرانی و پادشاهان آنان به دنبال یافتن راهی برای کاهش هزینه‌ها و نیروها و دفاع از سرزمینشان برآیند؛ و در کنار ایجاد استحکامات دفاعی از مرزهایی که به‌طور طبیعی یک دفاع استراتژیک را به آنان می‌داد، استفاده می‌کردند (محمودآبادی، ۱۳۸۷: ۲۴). سلسله‌ی ساسانی بر جغرافیای فلات ایران مدت مدیدی مسلط بودند و تحت تأثیر موقعیت و وسعت جغرافیایی سرزمین خود قرار گرفتند و برای کنترل مرزهای گسترده‌ی خود دست به فعالیت‌های مختلف نظامی زدند.

* نویسنده مسئول

بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان چه تأثیری در عملکرد نظامی آنان داشته است؟ ساسانیان با توجه به وسعت قلمروشان چه راهکارهای نظامی را برای برقراری امنیت پیش گرفتند؟ به نظر می‌آید موقعیت جغرافیایی و وسعت سرزمین ساسانیان، آنان را وادار کرد تا برای محافظت از مرزهای خود و حفظ موجودیت خود دست به انجام تدابیر نظامی و راهکارهای دفاعی بزنند، که در روند انجام این مهم، موقعیت ژئوپلیتیکی و موقعیت جغرافیایی ایران‌شهر نقش تعیین‌کننده‌ای داشت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اقدامات نظامی و راهکارهای دفاعی حکومت ساسانیان با توجه به موقعیت جغرافیایی قلمروشان بوده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع این مقاله به نگارش درآمده‌اند، اغلب به بررسی نقش و جایگاه نواحی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی سرزمین ساسانیان به صورت منطقه‌ای و نقطه‌ای پرداخته‌اند. اما این پژوهش یک عامل جغرافیایی، یعنی «موقعیت جغرافیایی» قلمرو ساسانیان و تأثیر آن در عملکرد نظامی این حکومت و چگونگی کنش و واکنش نظامی این حکومت را در هر جهت جغرافیایی موردتوجه قرار داده است. در این راستا، مقاله «تبیین و تحلیل نقش و اهمیت نظامی سواحل جنوبی دریای کاسپی در حفظ امنیت شاهنشاهی ساسانی» (۱۴۰۰)، نوشته سید حبیب حسینی و لشکلائی، به بررسی موقعیت اقلیمی سواحل جنوبی و جنوب شرقی دریای کاسپی در بخش شمالی قلمرو ساسانیان و اهمیت استراتژیکی این نواحی در امنیت مرزهای شمالی شاهنشاهی ساسانی پرداخته است و نوع راهبرد و راهکارهای نظامی ساسانیان در مقابل اقوام بیابان‌گرد را موردتوجه قرار داده است. داده‌های این مقاله برای بررسی نواحی استراتژیکی و راهکارهای نظامی ساسانیان در شرق و شمال شرقی قلمروشان در این پژوهش راهگشا هستند. «جغرافیای تاریخی شهر آمد و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم در روزگار ساسانیان» (۱۳۹۵)، پرویز حسین طلایی نویسنده این مقاله به بررسی نقش ژئوپلیتیکی، بازرگانی و دینی شهر مرزی آمد میان ایران و روم در روزگار ساسانیان پرداخته است. مطالب این اثر برای بررسی تأثیر ژئوپلیتیک نواحی غربی در فعالیت‌های نظامی ساسانیان در بین‌النهرین مهم است. خوانساری نژاد در مقاله «استراتژی نظامی در امپراتوری ساسانی» (۱۴۰۰)، به بررسی انواع استراتژی و تاکتیک‌های ساسانیان و نقش این استراتژی‌ها در قدرت و ضعف حکومت ساسانیان پرداخته است. داده‌های این اثر اهمیت بسیاری برای تحلیل تأثیر وسعت جغرافیایی در راهکارهای نظامی ساسانیان دارد. جغرافیای جنگ‌های ایران و روم (۱۳۹۷)، مؤلف این اثر کاتارزینا ماکسمیوک است. نویسنده جنگ‌های ایران و روم و اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک میان‌رودان، قفقاز و آسیای صغیر برای دو امپراتوری و نقش این مناطق را در وقوع این جنگ‌ها بررسی کرده است.

۱. مبانی نظری

الف. اثر محیط و عوامل جغرافیایی بر رخداد‌های تاریخی

در بررسی رخداد‌های تاریخی علاوه بر فعالیت‌های انسانی به جغرافیا و مکان نیز توجه می‌شود. اندیشمندان و جغرافی‌دانان بسیاری در طول تاریخ به اهمیت جغرافیا و مکان در وقایع تاریخی توجه کرده‌اند. ویل دورانت درباره روابط تاریخ و جغرافیا می‌گوید: «جغرافی زهدان تاریخ، مادر و پروراننده و تربیت‌گاه آن است» (ویل دورانت، ۱۳۹۶: ۱۷). تاریخ، جغرافیای تاریخی و تاریخ جغرافیایی در زمینه‌های گسترده‌ای از موضوع‌ها تجربه مشترکی دارند (اچ بیکر، ۱۳۹۲: ۲۳). الن اچ بیکر همچنین می‌گوید:

«جغرافیا و تاریخ شیوه‌های متفاوت نگرستن به جهان هستند؛ اما آن قدر ارتباط نزدیکی باهم دارند که هیچ‌یک نمی‌تواند دیگری را نادیده انگارد، یا حتی مورد غفلت قرار دهد» (همان: ۲۳). گوردن ایست نیز در این باره می‌گوید: «جغرافیا بدون تاریخ چون جسدی بی‌تحرک جلوه می‌کند، تاریخ هم بدون جغرافیا چون آواره‌ای بی‌خانمان و سرگردان به نظر می‌رسد؛ و از آنجاکه تاریخ باید به موقعیت مکانی حوادثی که بررسی می‌کند هم توجه کند، لازم است علاوه بر پرسش‌های معمول و آشنای چرا و چرا در آن زمان، پرسش‌های کجا و چرا آنجا را هم مطرح کند و اصولاً برای پاسخ به دسته‌ی دوم پرسش‌هاست که جغرافیا می‌تواند کمک کند» (گوردن ایست، ۱۳۹۲: ۲۳). مایکل استنفورد در کتاب درآمدی بر تاریخ‌پژوهی در خصوص اهمیت عوامل جغرافیایی در تاریخ تأکید دارد و می‌گوید: «هیچ مورخ آگاهی نمی‌تواند از این عوامل غفلت ورزد» (استنفورد، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

توجه به مکان و جغرافیا و تأثیر آن بر وقایع تاریخی از دوران باستان نزد دانشمندان بررسی می‌شد (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۰۵). هروودت (۴۸۴-۴۲۵ ق.م) نخستین دانشمندی بود که به وجود رابطه بین تاریخ و جغرافیا پی برد (بیک محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰). در راستای نقش و اهمیت محیط طبیعی در زندگی انسان آرنولد تاین بی مورخ و محقق معروف انگلیسی عقیده دارد که اگر شرایط محیط طبیعی آن‌چنان سخت و شدید باشد که انسان نتواند با مشکلات ناشی از خشونت و تحمیلات آن به مبارزه برخیزد و مقاومت نماید تلاش و کوشش او بی‌ثمر و نتیجه خواهد ماند. همچنین از نظر او احتیاج انسان به مبارزه با مشکلات محیط طبیعی و کوشش او در جهت ادامه حیات، اساس شکل‌گیری تمدن‌های اولیه بوده است (شکوئی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). نظریه‌پردازان و جغرافی‌دانانی چون السورث هانتینگتن و پژوهشگرانی دیگری نیز به تأثیر محیط طبیعی و موقعیت جغرافیایی بر زندگی انسان‌ها در طول تاریخ تأکید دارند (دورانت، ۱۳۷۸: ۴-۳).

ب. موقعیت جغرافیایی و اهمیت آن در قدرت یک حکومت

موقعیت جغرافیایی از جمله عوامل اصلی تأثیرگذار در قدرت نظامی یک کشور است. پایه‌های قدرت از عوامل مختلفی تشکیل می‌شود، بنابراین بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم‌تر این‌که عوامل جغرافیایی غالباً نقش اساسی را در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۸۴). در تعریف موقعیت جغرافیایی گفته‌اند: «اساساً موقعیت، عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین که خود دارای دو حالت عمومی یا نسبی و خصوصی یا ریاضی است» (عزتی، ۱۳۹۶: ۷۶).

گوردون ایست در زمینه اهمیت موقعیت جغرافیایی می‌گوید: «در تمام دوره‌های تاریخی ویژگی‌های موقعیتی هر مکانی واجد اهمیت هستند؛ زیرا به همراه دیگر خصوصیات جغرافیایی، نقشی در تاریخ آن مکان ایفا کرده‌اند.» (گوردون ایست، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷). موقعیت جغرافیایی یکی از مهم‌ترین عوامل طبیعی و جغرافیایی است که نه تنها در شکل و نوع سکونتگاه‌های انسانی، بلکه فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (شکوئی، ۱۳۸۳: ۲۴۴). عزتی می‌گوید: در بررسی روابط بین کشورها، پیش گرفتن یک راهکار و روش خاص، به موقعیت جغرافیایی آن‌ها بستگی دارد (عزتی، ۱۳۹۶: ۷۷). حکومت‌سازان نیز در بسیار از شرایط تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی خود قرار گرفته است و موقعیت جغرافیایی و وسعت سرزمین آنان در اهداف و فعالیت‌های نظامی آنان تأثیر گذاشت.

توجه به جغرافیا و نقش آن در قدرت و سیاست یک کشور مدنظر اندیشمندان زیادی بوده است. حتی برخی جغرافیا را اصلی‌ترین عامل قدرت یک کشور تلقی کرده‌اند. گلدستین در بین عوامل مؤثر قدرت، بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور تأکید می‌کند و معتقد است که مهم‌ترین ملاحظات سه‌گانه منزلت واقعی یک کشور عبارت‌اند از: موقعیت، موقعیت و موقعیت

(Goldstein, 1999: 59).

برخی موقعیت جغرافیایی یک کشور را مهم‌ترین رکن قدرت ملی آن کشور به حساب آورده‌اند. برخی هم گفته‌اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۱)؛ بنابراین موقعیت جغرافیایی و سرزمینی یک کشور در سیاست یک کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی و یا اهداف استراتژیکی مهم است. قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورها ناشی از موقعیت جغرافیایی آن‌هاست. از این رو، ژئوپلیتیسین‌ها بنا به مقتضیات زمان و مکان همواره نظریه‌های ژئوپلیتیکی خود را بر اساس موقعیت جغرافیایی ارائه داده‌اند (زین‌العابدین و کارساز، ۱۳۸۹: ۴۶). اگر یک حکومت دارای یک موقعیت جغرافیایی خاص باشد متأثر از موقعیت جغرافیایی خود خواهد بود؛ دوری و نزدیکی به دریاها یا هم‌جواری با تمدن‌های بزرگ و برعکس قرار گرفتن در مجاورت با اقوام بیابان‌گرد و ناآرام همه و همه در رفتار حکومت‌ها و ساکنان آن‌ها مؤثرند (فیشر - کمبریج، ۱۳۸۴: ۱/۱۰). بدین ترتیب یکی از مؤلف‌هایی که بر قدرت نظامی و راهکارهای دفاعی ساسانیان تأثیر گذاشت، موقعیت جغرافیایی سرزمین آنان بود.

موقعیت جغرافیایی سرزمین ساسانیان

ساسانیان تمام سرزمین زیر سلطه اشکانیان را به تصرف خود درآوردند. در دوره اردشیر اول هرچند که به صورت کامل او نتوانست قلمرو زیر سلطه اشکانیان را به تصرف درآورد، ولی بخش‌های زیادی از سرزمین آنان را تسخیر کرده بود. محدوده سرزمین‌هایی که اردشیر آن‌ها را به تصرف درآورده بود. شامل ایران، افغانستان، بلوچستان، صحرای مرو و خیوه بود، حد شمالی به رود جیحون می‌رسید و حد غربی به آخر بابل و عراق می‌رسید (کریستن سن، ۱۳۹۱: ۱۱۲). بر اساس کتیبه‌هایی که از شاپور اول در کعبه زردشت و کردیر در نقش رستم برجای مانده، محدوده جغرافیایی ایران ساسانی مشخص‌تر است. شاپور اول در کعبه زردشت اسامی ولایت‌های تحت سلطه خود را چنین می‌شمارد:

«من... شاه ایران‌شهر؛ فرمانروا هستم و (در اختیار) دارم: پارس، پارت، خوزستان، میشان، اسورستان، آدیابن، آریابه (ارباستان)، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، سیگان، اران، بلاسگان تا فراز کوه قاف و دروازه‌های اران در آلانان و همه‌ی کوه پدیشخوار، ماد، گرگان، مرو، هرات و همه‌ی ابرشهر، کرمان، سگستان، توران، مکران، پاردان، هندوستان، کوشان شهر تا فراز پیشاور و تا به کاش، سغد و به کوه‌های تاشکند و در آن سوی دریا، عمان» (Huyse, 1999: 1/22-24).

در سنگ‌نوشته‌ی کردیر گستره قلمرو ساسانیان این‌گونه نشان داده شده است: پارس، پارت، بابل، میشان، آدیابن، آذربایجان، اصفهان، ری، کرمان، سیستان، گرگان تا به پیشاور. البته باید توجه داشت که این محدوده جغرافیایی که کردیر از جغرافیای ایران‌شهر مطرح می‌کند بیشتر چشم‌انداز سیاسی - دینی گستره سرزمین ایران را نشان می‌دهد (Ibid).

هرچند که محدوده قلمرو ایران‌شهر در سنگ‌نوشته شاپور اول و کردیر با هم تا اندازه‌ای متفاوت‌اند، پهنه جغرافیایی ایران‌شهر در این دو کتیبه تا حدودی در مرزهای ایران شرقی، فلات ایران و میانرودان هماهنگی دارد (دریایی، ۱۳۸۸: ۱۳).

در متن جغرافیایی شهرستان‌های ایران‌شهر، گستره ایران‌شهر بسیار پهناورتر از وسعت قلمرو ساسانیان است. حتی در این متن عربستان و آفریقا هم جزو قلمرو ایران معرفی شده‌اند. گفته‌های این متن در مورد جغرافیای ایران‌شهر تا حدودی نزدیک به سرزمین‌های ذکر شده در کتیبه شاپور اول است؛ با این حال محدوده جغرافیایی که متن ایران‌شهر معرفی می‌کند وسیع‌تر از گستره سرزمین ساسانیان در دوره‌های مختلف این حکومت است (همان). همچنین تقسیم‌بندی‌هایی که در منابع از سرزمین ساسانیان

ذکر شده نشان‌دهنده‌ی وسعت و موقعیت جغرافیایی ساسانیان است. کوست خراسان یا مشرق شامل بخش شرقی قلمرو ساسانیان و بر گستره وسیعی از نواحی زیر رودخانه جیحون در شرق اطلاق می‌شد که شامل خراسان، سیستان و کرمان، کوست خوریران (خاوران، مغرب)، شامل جبال یا عراق عجم تا سرحد بیزانس، اباختر (باختر، شمال)، شامل آذربایجان، طبرستان، ارمنستان و گرجستان و نیمروز (جنوب)، شامل پارس و خوزستان بوده است (زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۰).

از زمان شاپور اول گستره سرزمین ساسانیان به اوج خود رسیده بود و بعد از پادشاهی شاپور اول وسعت ایرانشهر به این حد نرسید مگر تا زمان خسرو اول و خسرو دوم. در این زمان قلمرو ساسانیان از رود فرات در غرب فراتر رفت و تا مصر و آسیای صغیر و عربستان نیز ساسانیان نفوذ داشتند (دریایی، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ با این حال قلمرو اصلی ساسانیان حتی در دوران ضعف این سلسله همچنان با مرزهای طبیعی فلات ایران تقریباً هماهنگ بوده است.

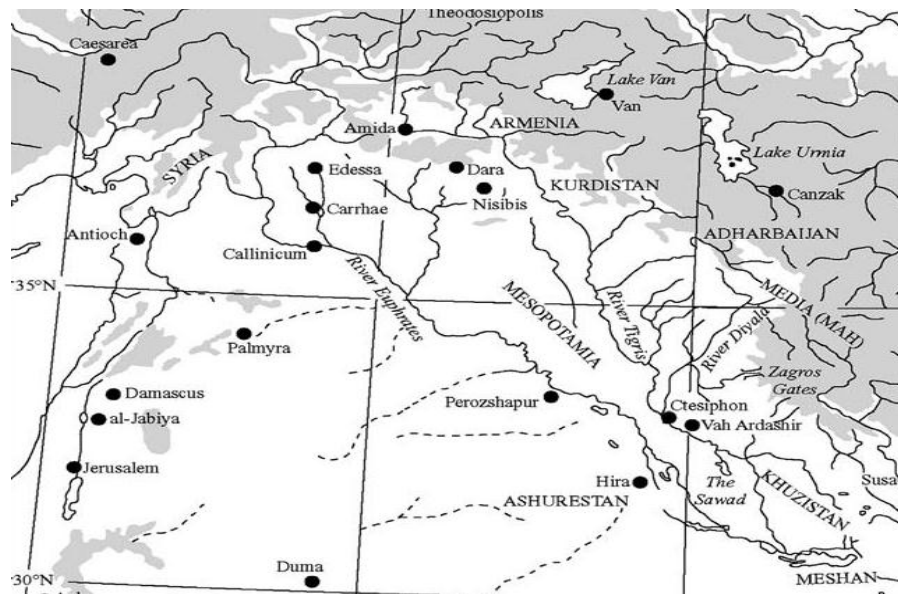


شکل (۱). نقشه جغرافیای سرزمین ساسانیان
(Brosius, 2006: 143)

ژئوپلیتیک میانرودان و تأثیر آن در فعالیت‌های نظامی ساسانیان

اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی غرب فلات ایران زمانی مورد توجه قرار گرفت که دو حکومت شرق و غرب یعنی اشکانیان و رومیان در تقابل و رویارویی با هم در میانرودان به هم رسیدند و هیچ یک از این قدرت‌ها به واسطه منافع خود در این منطقه و اهمیت موقع جغرافیایی آن حاضر به عقب‌نشینی و یا از دست دادن این منطقه نمی‌شدند (حسین طلایی، ۱۳۹۵: ۱).

شهرهای تجاری و کاروانی پترا (Patra)، پالمیر (Palmir)، هترا (Hatra)، پادشاهی‌های تجارت محور خاراسین (Characene)، الیمائس (Elymais)، گرهه (Gerrha) در ساحل جنوبی خلیج فارس رونق زیادی داشتند (کرتیس، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲). این موضوع و اهمیت استراتژیکی این مناطق در شکل‌گیری تنش میان رومیان و اشکانیان و بعد ساسانیان مؤثر واقع شد. حتی علت انتخاب تیسفون به‌عنوان مرکز حکومت از جانب اشکانیان و ساسانیان به موقعیت ژئواستراتژی و ژئوپلیتیکی تیسفون برمی‌گشت؛ زیرا تیسفون منطقه‌ای بود که از آنجا می‌توانستند عملیات تهاجمی و تدافعی ساسانیان به سمت رومی‌ها انجام شود و در واقع، یکی از دلایل اصلی انتخاب این مکان به‌عنوان پایتخت و مرکز، تأمین امنیت مرزها در برابر بیگانگان بود (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۱۶۷).



شکل (۲). نقشه میانرودان

(Winter and Dignas: 2007: 20)

با فروپاشی اشکانیان و قدرت گیری ساسانیان نخستین تلاش های ساسانیان متوجه غرب یعنی منطقه میانرودان و سرحدات روم شد. ساسانیان از همان ابتدا درصدد برآمدند قدرت خود را در این مناطق گسترش دهند و موضع دفاعی و استراتژیکی خود را در میانرودان و مرزهای روم محکم کنند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

با هم مرز شدن ساسانیان و رومی ها برخی از مناطق میانه ای، مانند سرزمین های اطراف دجله و فرات و بخش هایی از آسیای صغیر و برخی از سرزمین های دیگر اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی برای هر دو حکومت پیدا کردند. در دوره چهارصد ساله حکومت ساسانیان تقریباً این نزاع و درگیری های نظامی ساسانیان در میانرودان با قدرت روم ادامه داشت؛ به بیان دیگر، اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه در بروز تنش میان این دو قدرت تأثیر داشته است (Rezakhani, 2017: 16). همان طور که دکتر عزت الله عزتی در مورد ژئوپلیتیک و اهمیت آن در بروز تنش و جنگ معتقد است رابطه ای که بین ژئوپلیتیک و جنگ می توان برقرار کرد این است که ژئوپلیتیک معنایی برای جنگ ندارد اما می تواند بهانه ای برای جنگ باشد؛ و به عبارت دیگر مجوزی باشد برای قدرت های بزرگ که جنگ را آغاز کنند (عزتی، ۱۳۷۹: ۵۰-۴۹). همچنین او در ادامه می گوید «دخالته جغرافیا در این مسئله به این معنی نیست که عوامل جغرافیایی علت پیدایش جنگ ها و یا راهنمای آن ها بوده است؛ بلکه با بررسی توزیع جنگ ها و عوامل ایجاد آن ها می توانیم عوامل جغرافیایی را شناسایی کنیم» (همان: ۴۹). بنابراین، در میانرودان و مناطق دیگری که ساسانیان اقدام به فعالیت های نظامی کردند، شواهد تاریخی نشان دهنده اهمیت عوامل جغرافیایی و تأثیر آن ها در بروز درگیری های نظامی میان امپراتوری روم و ساسانی است. روم برای میانرودان اهمیت به سزا قائل بود و به مثابه پلی در راه بازرگانی می شمرد و به همین علت تلاش کرد دولت های این منطقه را زیر سلطه خود درآورد (پیگولوفسکایا، ۱۳۸۷: ۱۲۴)؛ بنابراین میانرودان و برخی از مناطق غربی در مرزهای ساسانیان و رومیان به علت اهمیت استراتژی و ژئواکونومیکی عامل و محرک بروز جنگ میان دو قدرت شده بودند.

میانرودان منطقه ای بود که برای حکومت ساسانیان دارای اهمیت نظامی و اقتصادی بود؛ زیرا منطقه مرزی و سرحدی با امپراتوری توسعه طلب روم بود. پیگولوفسکایا می گوید: «عمده ترین عامل اختلاف و دشمنی میان ایران و روم شرقی مربوط به

مرزهای دو کشور و راه‌های بازرگانی بود» (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۶۳۳). بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و نظامی این قدرت‌ها در سرزمین‌های اطراف دجله و فرات شکل گرفت و به مرور زمان این مناطق تبدیل به محلی برای نزاع و رقابت بین این قدرت‌ها شده بود. دریایی هم علت بروز تنش و برخوردهای نظامی میان ساسانیان و رومیان را وجود دژهای رومی در میانرودان که پایتخت ساسانیان را تهدید می‌کرد می‌داند (دریایی، ۱۳۹۲: ۵۸). به همین علت دولت ساسانی در مقابل امپراتوری روم و برای جلوگیری از گسترش نفوذ و قدرت روم در مناطق غربی فلات ایران حالتی تهاجمی به خود گرفت و به مقابله با روم شتافت (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

ناحیه جنوب غربی قلمرو ساسانیان نیز همواره مورد تهاجم قبایل مختلف عرب قرار می‌گرفت. این مسئله موجب شده بود که ساسانیان برای جلوگیری از غارتگری‌ها و یورش این قبایل راهکارهایی را پیش بگیرند. ساسانیان برای برقراری امنیت در این جهت جغرافیایی سرزمین خود، منطقه حیره که از موقعیتی میانی و حائل برخوردار بود را به‌عنوان یک سد دفاعی و تکیه‌گاهی در مقابل اعراب انتخاب کردند (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۱۴۴-۱۴۳) زیرا بهترین منطقه و ناحیه جغرافیایی که می‌توانست پایگاهی برای دفاع از مرزهای جنوب غربی آنان از خطر غارتگری اعراب شود، حیره بود (اللهیاری، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۰).

از طرفی دیگر اراضی تحت تملک و فرمان دولت حیره در واقع به‌صورت طبیعی ادامه سرزمین‌های غرب ایران بود که واحد جغرافیایی یگانه و پیوسته‌ای را تشکیل می‌داد (پیگولوفسکایا، ۱۳۷۲: ۲۲۰-۲۱۹)؛ بنابراین برای لخمیان تابع دولت ساسانی حیاتی و لازم بود که در دنبال کردن اهداف نظامی و اقتصادی ساسانیان در عربستان و میانرودان آنان را همراهی کنند. مجری سیاست‌های نظامی ساسانیان در شبه جزیره و در جنگ‌های ساسانیان در میانرودان دولت حیره بود (همان). پروکوپوس نیز در مورد اهمیت دولت حیره در پیشبرد اهداف نظامی ساسانیان در میانرودان و نیز در مقابل رومیان می‌گوید: «منذر مردی بی‌اندازه مدبر و هوشیار بود و در فنون جنگی تجربه بسیار و نسبت به دولت ایران صداقت و وفاداری کامل داشت. همین شخص مدت پنجاه سال دولت روم را مستأصل کرده و قدرت آنرا در برابر خود به‌زانو درآورده بود؛ زیرا از مرزهای مصر گرفته تا حوالی بین‌النهرین همه‌جا متصرفات روم را عرصه‌ی تاخت‌وتاز خود قرار داده بود» (پروکوپوس، ۱۳۴۷: ۸۵). امپراتوری ساسانی همواره در حیره سپاه آماده‌ی نگاهداری می‌کرد پادشاهان ساسانی دو فوج سپاه یکی از مردم تنوخ، معروف به دوسرو دیگری گروهی از ایرانیان که شهباء نامیده می‌شدند را در حیره مستقر کردند. این دو فوج تحت امر حاکم حیره بودند که برای حمله به سرزمین شام و مقابله با اعراب از آنان استفاده می‌کرد (نولدکه-طبری، ۱۳۵۸: ۱۵۱).

دولت ساسانی در مقابل اعراب یک حالت تدافعی داشت به همین علت به دنبال ایجاد موانع دفاعی در موقعیت جغرافیایی جنوب غرب برآمد. نخستین کوشش‌های مهم برای پیشگیری از هجوم اعراب و مستحکم کردن سیستم دفاعی کشور در مقابل دست‌درازی‌های آنها در زمان شاهنشاهی شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م.) اجرا شد. به دستور وی خندقی در میانرودان برای ایجاد استحکاماتی میان سرزمین‌های آباد و حاصلخیز میانرودان و بیابان‌های اعراب حفر کردند. این خندق به «خندق بزرگ شاپور» معروف گردید. بعد از آن گروهی از سپاهیان را برای نگهبانی از آن گماشت و به آنان زمین‌های کشاورزی در این ناحیه داد و آنان را از پرداخت مالیات نیز معاف کرد (مرادیان، ۱۳۵۵: ۲۶؛ اللهیاری، ۱۳۹۳: ۹۵). به فرمان خسرو انوشیروان خندقی از حیث در مغرب میانرودان تا کاظمه در نزدیکی بصره حفر کردند. این خندق به دو رود دجله و فرات می‌پیوست. کوشک‌ها و پاسگاه‌هایی نیز برای دیده‌بانی این خندق گماشت شدند. در سال‌های پایانی حکومت ساسانی؛ بخش شمالی و غربی حیره با یک شبکه‌ی پدافندی پاسداری می‌شد که یک کانال آب و راه‌بند بود. این شبکه پدافندی دیواری، بار دیگر در دوره پادشاهی خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ م.)

مستحکم شد (دریایی - شهرستان‌های ایرانشهر، ۱۳۸۸: ۷۰).

اهمیت و جایگاه ژئواستراتژیکی حیره در مرزهای جنوب غربی ساسانیان و نقش آن در کنترل حمله اعراب با از میان رفتن دولت لخمیان مشخص می‌شود. از میان بردن پادشاهی لخمیان در حیره که نقش مهمی در پیشبرد اهداف نظامی و بازرگانی ساسانیان در شبه جزیره عربستان و استحکام مرزهای شاهنشاهی در برابر تاخت و تازهای قبایل بیابانگرد عرب داشته است، ضربه سختی بر پیکره جغرافیایی قلمرو ساسانیان وارد کرد (فرنود، ۱۳۹۵: ۸۴). از میان رفتن حاکمیت سوق الجیشی حیره پیامدهای زیانباری برای دولت ساسانی داشت. سرانجام از همین جهت جغرافیایی اعراب از ناحیه جنوب غربی به سرزمین ساسانیان یورش بردند و این حکومت را نابود کردند.

نواحی استراتژیکی شمال غرب قلمرو ساسانیان

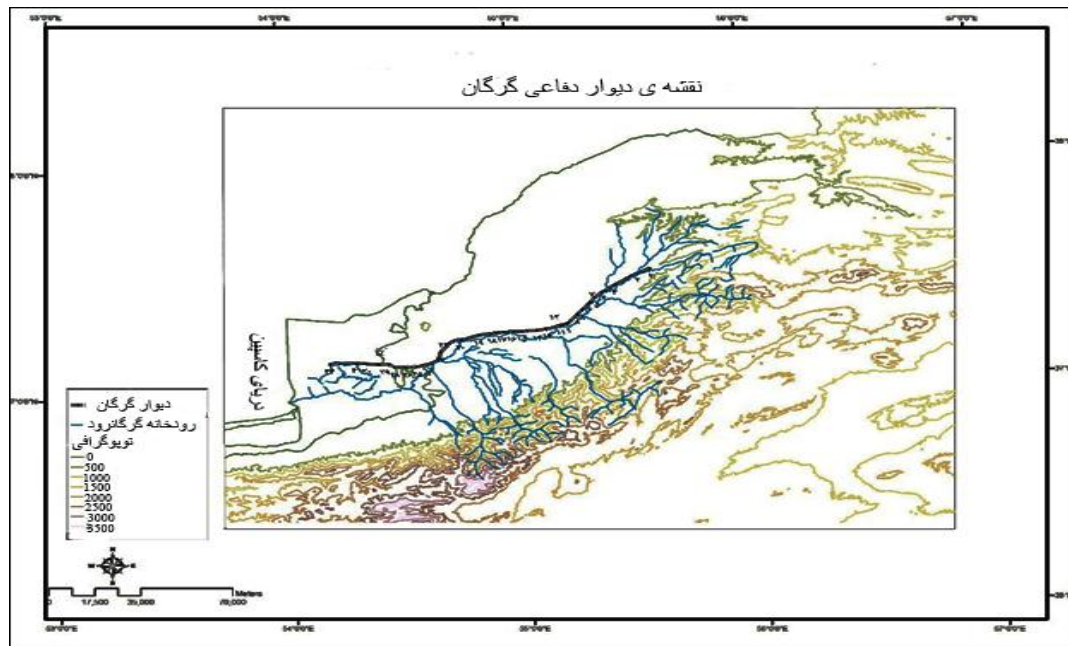
جهت شمال غربی یعنی ناحیه قفقاز نیز جزو نواحی حساس و استراتژیکی سرزمین ساسانیان بود، نزاع و درگیری بر سر ناحیه ژئوپلیتیکی قفقاز و ارمنستان میان ساسانیان و رومی‌ها مدت زیادی به طول انجامید و همواره موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی این منطقه تأثیر مهمی در بروز نبرد میان این دو قدرت داشته است (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۶). ساخت دژهای دفاعی در ناحیه دربند قفقاز و حضور نیروهای ایرانی برای محافظت از این ناحیه و همچنین گماردن مرزبان به صورت مستقیم بر ایالت ارمنستان از طرف ساسانیان خود نشان‌دهنده اهمیت کنترل این منطقه برای امنیت مرزهای شمالی ساسانیان دارد (هندیجانی و محمدی فر، ۱۳۹۶: ۱۰۰). شاهان ساسانی به استحکام مرزهای این ناحیه توجه زیادی داشتند؛ زیرا حفاظت از این جهت جغرافیایی نقش مهمی در تأمین امنیت ساکنان این شاهنشاهی در مقابل تهاجم اقوام ماوراء قفقاز داشت. کوه‌های مرتفع قفقاز موجب شده بود دره‌ای باریک و تنگ در میان آن‌ها وجود داشته باشد. ساسانیان با استفاده از این موانع طبیعی به ایجاد استحکامات دفاعی در این تنگه‌ها اقدام کردند (حسینی و لشکلائی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵-۱۴). یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین این تنگه‌ها «دربند قفقاز» است که ساسانیان در این تنگه دیواری دفاعی ایجاد کردند. از زمان یزدگرد اول بنای دربند آغاز شد و در زمان خسرو انوشیروان به پایان رسید. انوشیروان برای دفع این اقوام وحشی یعنی هون‌ها و چول در دژ سرحدی دربند که اعراب آن را «باب الابواب» می‌نامیدند، استحکامات بسیاری ساخت و در آنجا سربازانی دلیر آماده دفاع کرد که نام آنان را به زبان پهلوی «نشاستگان» یعنی پادگان محلی می‌خواندند (مشکور، ۱۳۷۱: ۲۷۰-۲۶۹). طبری می‌گوید: پنج هزار سپاهی سواره و پیاده برای محافظت از مرزهای قفقاز وجود داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۲/۶۴۸). حمزه اصفهانی طول دیوار دفاعی دربند را حدود بیست فرسخ می‌داند که از دریا تا کوه کشیده شده بود (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵۵). گردیزی نیز طول باب‌الابواب را بیست فرسخ می‌نویسد و می‌گوید در ساخت آن از آهن و ارزیز و روی آمیخته استفاده کرده‌اند. گردیزی طول دیوار را پانزده فرسخ نوشته و گفته است ساخت دیوار را یزدگرد اول آغاز کرد و انوشیروان به پایان رسانید (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۴).



شکل (۳). نقشه ناحیه استراتژیکی شمال غرب قلمرو ساسانیان
(Maksymiuk, 2015: 107)

ساسانیان و دفاع از مرزهای شرقی

ساسانیان در شرق نیز با مسئله دفاع در مقابل تهاجم دائمی اقوام شرقی مواجه بودند؛ به خصوص در جهت شمال شرق قلمرو ساسانیان نیز همواره خطر یورش اقوام شرقی وجود داشت. نکته مهم این است که سرزمین‌های بیابانی و صحرائی شرق قلمرو ساسانیان از موانع طبیعی مانند کوه‌های مرتفع یا رودهای خروشان برخوردار نبودند و به همین علت نفوذ از جهت شرقی به درون فلات ایران آسان‌تر بوده است. از آن جهت که عوامل طبیعی به‌تنهایی نمی‌توانستند مانعی برای کنترل مرزها باشند، ساسانیان به ایجاد استحکامات دفاعی و دژهای نظامی در نقاط استراتژیکی پرداختند (کاوینی پویا و داغمه چی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). ایالت خراسان در شرق قلمرو ساسانیان از موقعیت حساس و مهمی برای امنیت ساسانیان برخوردار بود. از این جهت در نواحی استراتژیکی این ایالت شرقی، ساسانیان استحکامات دفاعی و پایگاه‌های نظامی ایجاد کردند. گرگان (هورکاینه) سرزمین مهمی است که از موقعیت استراتژیکی مهمی در گوشه جنوب شرقی دریای خزر برخوردار است و در دوره ساسانی از مواضع دفاعی آنان در برابر اقوام وحشی بوده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۶۷). این ناحیه سوق‌الجیشی و استراتژیکی راه ورود برای این اقوام بود، زیرا هیچ‌گونه دیواری کوهستانی در این نقطه مرزهای ایران را حفاظت نمی‌کرد (آلتهايم، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۶۰). گرگان مرکز استحکامات دفاعی در شمال شرق قلمرو ساسانیان بود. شاهان ساسانی از جمله یزدگرد دوم، پیروز، قباد و انوشیروان به ایجاد استحکامات دفاعی در این منطقه اقدام کردند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۶۷). در گرگان دیوار دفاعی عظیمی برای جلوگیری از تهاجم این قبایل بیابان‌گرد ایجاد شد. این دیوار از شرق دریای کاسپی در محل خواجه‌نفس فعلی شروع می‌شد و در کوه‌های پیش‌کمر در دامنه‌های بجنورد محو می‌شد (حسینی و لشکلائی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰).



شکل (۴). نقشه دیوار دفاعی گرگان

(کاوایی پویا و داغمه چی، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

خسرو انوشیروان سلسله‌ای از باروها و دیوارهای دفاعی در این ناحیه شرقی ایجاد کرد. او «فرمود که دیواری که ۱۸۰ فرسنگ دراز و ۲۵ ارش شاه بلند، ۱۸۰ دروازه کاخ و در داخل آن دستگرد بسازند» (دریایی، ۱۳۸۸: ۳۹). این دیواره دفاعی در شرق بسیار طویل بوده است. بنای این سد دفاعی را به بهرام گور نسبت می‌دهند و بعداً پیروز و قباد و انوشیروان بر استحکامات آن افزودند. درازای این دیوار را پنجاه فرسنگ گفته‌اند که شش منزلی دریای خزر آغاز می‌شد. بر اساس نوشته طبری و ابن‌اثیر این تأسیسات دفاعی تا آمودریا به هم پیوسته بود (مشکور، ۱۳۷۱: ۳۴۰-۳۳۹). زمانی که ترکان به فرماندهی سنجیبو خاقان (۵۶۹ م.) به مرزهای ساسانیان حمله کردند، استحکاماتی که ساسانیان در مرزهای شمالی و شرقی ایجاد کرده بودند مانع از ورود آنان به سرزمین ساسانیان شدند و ترکان توانایی عبور از دژها و دیواره‌های عظیم و دراز ساسانیان را نداشتند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۵۵). طبری از استحکامات دفاعی پیروز و دیگر شاهان ساسانی که در نواحی استراتژیکی ایجاد کرده‌اند خبر می‌دهد:

«پیروز در ناحیه صول و الان بنائی از سنگ ساخته بود تا نگذارد که آن اقوام بر بلاد او دست یابند. پسر او کواذ در آن نواحی بناهای بسیار دیگری ساخته بود. چون خسرو به پادشاهی رسید بفرمود تا در ناحیه صول از سنگ‌های تراشیده شده در گرگان شهرها و قلعه‌ها و باروها و بناهای بسیار بساختند تا برای مردم مملکت او پناهگاهی باشد و اگر دشمنی ناگهانی بر ایشان بتاخت بتوانند به آن بگریزند...» (همان).

حمزه اصفهانی نیز به استحکاماتی که توسط پیروز ساسانی در شرق ایجاد شد، اشاره می‌کند:

«در نواحی ری و گرگان و آذربایجان در هر یک شهری بنا کرد و میان ماوراءالنهر و ایران شهر دیواری کشید» (حمزه اصفهانی،

۱۳۶۷: ۵۳). ابن‌بلخی نیز به استحکامات دفاعی که پیروز در شرق ایجاد کرد اشاره می‌کند:

«[پیروز] دیوار پنجاه فرسنگی به خجند میان حد ایران و توران» (ابن‌بلخی، ۱۳۶۳: ۸۳) را ساخت.

خسرو انوشیروان در مرزهای شمال شرق و شمال غرب به ساختن دژ و قلعه و دیوار دفاعی بیش از ساختن شهر توجه داشت

(مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۵). شاپور اول که برای دفاع از مرزهای شرقی قلمرو خود لشکرکشی‌هایی انجام داد، برای حفاظت از مرزهای شرقی خود، پایگاه دفاعی در ناحیه «آبرشهر» یا «آبر شهر» یا «نیو شاه پوهر» نیشاپور (نیشابور) در ایالت خراسان ایجاد کرد و ساسانیان از این منطقه فعالیت‌های نظامی و اقتصادی خود را در شرق دنبال می‌کردند (فیشر-کمبریج، ۱۳۸۴: ۸۷/۱). نقش دفاعی نیشابور برای دفاع از مرزهای شرقی همانند نقش پیروز شاپور (انبار) در غرب ایران بود (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۱۵۵). شاپور اول در انتخاب نیشابور به موقعیت استراتژیکی این منطقه برای دفاع از مرزهای شرقی توجه داشته است؛ بنابراین شاه ساسانی برای بهتر کردن موقعیت دفاعی سرزمین خود ابرشهر و نواحی اطراف آن را که تحت سلطه کوشانیان بود، به تصرف درآورد و شهر دفاعی نیشاپور را در ایالت خراسان ایجاد کرد (مشکور، ۱۳۷۱: ۶۹۶). این شهر یکی از مهم‌ترین مراکز اصلی ضرب سکه نیز بوده است. ضرب سکه در این منطقه خود نشان دهنده‌ی ضرورت تأمین مخارج جنگ در مرزهای شرقی دارد (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۲۹). تعداد زیادی از سکه‌هایی که اینجا ضرب شده‌اند مربوط به زمان پیروز هستند، زمانی که او در شرق در حال نبرد با هفتالیان بود و مخارج زیادی برای جنگ نیاز داشت (مشکور، ۱۳۷۱: ۶۹۶). مرو یکی دیگر از شهرهای ایالت خراسان بود که وجود آثار استحکامات دفاعی ساسانیان در این منطقه نشان دهنده‌ی کوشش ساسانیان برای دفاع از مرزهای شرقی دارد. مرو نقطه اتکایی برای در هم شکستن تهاجم کوچ‌نشینان آن سوی آمودریا بود و اسپاهبد خراسان در این نقطه از مرزهای شرقی مستقر بود، وجود دژهای بی‌شمار و استحکامات دفاعی در این منطقه نشان دهنده‌ی اهمیت نظامی آن برای ساسانیان است (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۲۲). اغلب شهرهایی که توسط شاهان ساسانی در نواحی شرقی، گرگان یا ایالت خراسان احداث شدند بیشتر جنبه‌ی نظامی داشتند و برای مقابله با اقوام بیابان‌گرد آن نواحی ایجاد شدند (حسینی و لشکلائی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸).

در کنار ایجاد استحکامات دفاعی، ساسانیان همواره سعی می‌کردند مرزهای خود را با عوامل طبیعی و جغرافیایی مانند کوه‌ها و رودهای خروشان مرتبط و منطبق کنند. آنان در شرق معمولاً قلمرو خود را به دو رود سیحون و جیحون می‌رساندند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۳۵).

مرزهای شرقی سرزمین ساسانیان پشت سر هم تحت فشارهای قبایل چادرنشین قرار می‌گرفت. از این جهت دولت ساسانی در پی شناخت نقاط آسیب‌پذیر و کنترل این مناطق و ایجاد پایگاه نظامی در نواحی استراتژیکی مرزهای شرقی خود برآمد (همان: ۲۳۴-۲۳۵). اقوام گوناگونی در مجاور مرزهای شرقی ساسانیان حضور داشتند و معمولاً به مرزهای شرقی ساسانیان حمله می‌کردند. اقوامی مانند کوشانیان، کیداریان، خیونیان، هفتالیان و ترکان همه در دوره‌های مختلف از جهت شرقی به قلمرو ساسانیان یورش می‌آوردند و دائم به مرزهای ساسانیان حمله می‌کردند (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۲۸). اهمیت دفاع از مرزهای شرقی در مقابل اقوام ناآرام این منطقه که دائم به قلمرو ساسانیان حمله می‌کردند موجب شد حتی برخی از شاهان ساسانی برای سرکوب و جلوگیری از این اقوام مقر حکومت خود را به شرق انتقال دهند و مدت طولانی صرف جنگیدن و آرام کردن مناطق شرقی کنند. شاپور دوم ساسانی به سال ۳۵۰ م.، برای دفاع از مرزهای شرقی در مقابل خیونیان لشکر کشید و عملیات نظامی در غرب را رها کرد و به شرق رفت و حدود ده سال (۳۵۹-۳۵۰ م) برای دفاع از مرزهای شرقی در آنجا حضور داشت (شپیمان، ۱۳۸۴: ۴۴). یزدگرد دوم نیز برای دفاع از مرزهای شرقی در مقابل هفتالیان مجبور شد که مقر حکومت خود را برای چند سالی به مناطق شرقی منتقل کند تا بهتر بتواند از این مرزها دفاع کند (وینتر و یگناس، ۱۳۸۶: ۲۶). سکه‌های درهم یزدگرد دوم در گرگان، احتمالاً به افتخار پیروزی‌ها و دفع خطر اقوام شرقی ضرب شده بود (آرزومانی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

ساسانیان در طول دوره‌ی حکومت خود ناچار بودند در شرق در حالتی تدافعی عمل کنند و در این منطقه بیشتر هزینه‌های

نظامی و مالی را صرف نگهداری و حفاظت از مرزهای شرقی خود کرده‌اند؛ زیرا در قلمرو ساسانیان شرق و به‌خصوص ایالت خراسان در مسیر تهاجم دائمی اقوام شرقی قرار داشت (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۳۴). وجود استحکاماتی در نواحی شرقی و شمال غربی، نشان‌دهنده‌ی حالت تدافعی دولت ساسانی در این جهت‌های جغرافیایی است؛ راهبردهای نظامی دولت ساسانی در شرق بیشتر حالت دفاعی با استفاده از محدود کردن مرزهای سرزمین پهناور خود، گذاشتن علامت در برخی از نواحی مرزی، ایجاد خندق‌ها و دیوارهای طویل با باروهای بلند بود (ولشکلایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰). برخی از شاهان ساسانی برای آرام نگه‌داشتن مرزهای شرقی گروه‌هایی از این اقوام را وارد بدنه سپاه خود کردند و از آنها برای پیش‌برد اهداف نظامی خود در مرزهای غربی استفاده کردند. شاپور دوم پس از درگیری‌های نظامی با اقوام شرقی توانست گروهی از آنان به نام خیونیان را به خدمت خود بگیرد و با کمک همین اقوام به مرزهای رومیان حمله کرد و شهر استراتژیکی آمد را به تصرف درآورد (حسین طلائی، ۱۳۹۵: ۹۷). قباد نیز هفتالیان - که پدرش پیروز را شکست داده و نابود کرده بودند - را با خود همراه کرد و با کمک آنان به تسخیر مناطق استراتژیکی در غرب پرداخت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۲/۶۴۱). سیاست دیگر دولت ساسانی برای مقابله با این اقوام، کوچ دادن آنان و مستقر کردن آنها در مناطق خطرآفرین بود. خسرو انوشیروان زمانی که قوم چول را تار و مار کرد باقی‌مانده‌ی این قبیله را در شهر پیروز در گرگان جای داد (مشکور، ۱۳۷۱: ۳۴۰). این راهبرد نظامی شاهان ساسانی تأثیر مهمی در ثبات و امنیت مرزهای کشور داشت (مهرآفرین، ۱۳۹۷: ۴۲).

موقعیت دریایی و فعالیت‌های نظامی ساسانیان

موقعیت استراتژیکی خلیج فارس در زمینه‌ی عملیات‌های نظامی و ناوگان جنگی ساسانیان نیز مؤثر واقع شد. ساسانیان خلیج فارس را بخشی از ایرانشهر و جزء سرزمین ایرانیان می‌دانستند و آن را «دریای ما» می‌گفتند. در تقسیمات جغرافیایی که ساسانیان در سرزمین خود انجام دادند خلیج فارس در یکی از چهار بخش (کوست) قرار می‌گرفت؛ این بخش کوستِ خوروران یعنی جنوب غربی قرار داشت (دریایی، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۴). تسلط ساسانیان بر خلیج فارس نه تنها به خودی خود با اهمیت بود، موقعیت جغرافیایی این شاهنشاهی را به جهان بزرگ‌تر پیوند می‌داد (دریایی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). اهمیت راه دریایی خلیج فارس در انجام اهداف نظامی ساسانیان در شبه جزیره‌ی عربستان برای کنترل اعراب و رقابت با رومی‌ها نمایان است. حضور ناوگان دریایی ساسانیان در خلیج فارس بنا به گزارش نویسندگان از زمان اردشیر اول شکل گرفت (میرزاوند، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۰). تنگه هرمز در جنوب سرزمین ساسانیان در کنترل رفت و آمد کشتی‌ها نقش مهمی داشته است. اهمیت خلیج فارس بیشتر به علت ارتباط با اقیانوس هند است؛ و اگر تنگه هرمز که وسیله ارتباط این دو است، نمی‌بود، این خلیج هرگز نمی‌توانست چنین نقشی را در مسائل اقتصادی و تجاری و سیاسی ایفا کند (اقتداری، ۱۳۴۵: ۷). از نظر ژئوپلیتیسین‌ها تنگه‌ها و آبراه‌های طبیعی دریایی، موقعیت‌های جغرافیایی هستند که هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند و هم در استراتژی‌های نظامی خشکی و دریایی مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در آنها همزمان وجود دارند (حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۳)؛ بنابراین، ساسانیان علاوه بر تلاش برای گسترش فعالیت‌های نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند، در صدد کنترل تنگه هرمز نیز برآمدند (Daryaei, 2003: 9-10). به نظر می‌رسد ایجاد شهر هرمز در دوره‌ی ساسانیان توسط اردشیر اول، در واقع برای کنترل تنگه‌ی هرمز بوده است؛ و چون این تنگه موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی مهمی داشت، در زمان حکومت شاپور دوم در جنوب

تنگه‌ی هرمز و در شبه جزیره‌ای در شمال عمان که مشرف بر گذرگاه دریایی تنگه هرمز بود، پایگاهی برای نظارت بر راه دریایی خلیج فارس و تأمین امنیت آن ایجاد شد (اللهیاری، ۱۳۹۳: ۹۶). کیان‌راد نیز به کنترل تنگه هرمز توسط ساسانیان اشاره می‌کند. او می‌گوید: «یک پست دیده‌بانی ایرانی در «غنم» (chanam) در تنگه هرمز مستقر بود که بر امر کشتیرانی و کشتی‌هایی که می‌خواستند وارد خلیج فارس شوند نظارت می‌کرد» (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲۲). اردشیر اول پس از چیرگی بر فلات ایران، به عمان و بحرین حمله کرد و با نیروی دریایی خود تمامی تردهای کشتی‌های تجاری خلیج فارس را زیر نظر گرفت (Brosius, 2006: 182-185). همچنین در دو سوی خلیج فارس دژها و استحکامات نظامی بنا کرد و بندر بخت اردشیر (بوشهر کنونی) را احداث کرد (میرزاوند، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۲). مطالعات باستان‌شناختی در خلیج فارس نشان می‌دهند که احتمالاً در سواحل جنوبی حضور سپاهیان ساسانی پرشمار بوده‌اند و اردشیر تلاش بسیار کرد تا ساحل عربی خلیج فارس را به تصرف درآورد تا ضلع جنوبی شاهنشاهی خود را ایمن کند. به احتمال زیاد اردشیر قلعه تیلوس را برای محافظت از کشتیرانی در خلیج فارس در برابر حملات اعراب و دزدان دریایی بحرین بنا کرد (دریایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱). شاپور دوم نیز پس از سرکوب اعراب در جنوب ایران، با ناوگان جنگی از طریق خلیج فارس وارد بحرین شد (اللهیاری، ۱۳۹۳: ۸۷). همچنین شواهد تاریخی از فعالیت‌های نظامی شاپور دوم در خلیج فارس نیز اطلاع به دست می‌دهند. دژ سیراف در این زمان به‌منظور تقویت مواضع تدافعی ساحل خلیج فارس در مقابل تهاجم اعراب بنا شد؛ و در واقع مرکزی برای رسیدگی به رفت و آمدهای دریایی و جایگاهی برای تأمین امنیت خلیج فارس بود (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۱۹؛ دریایی، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

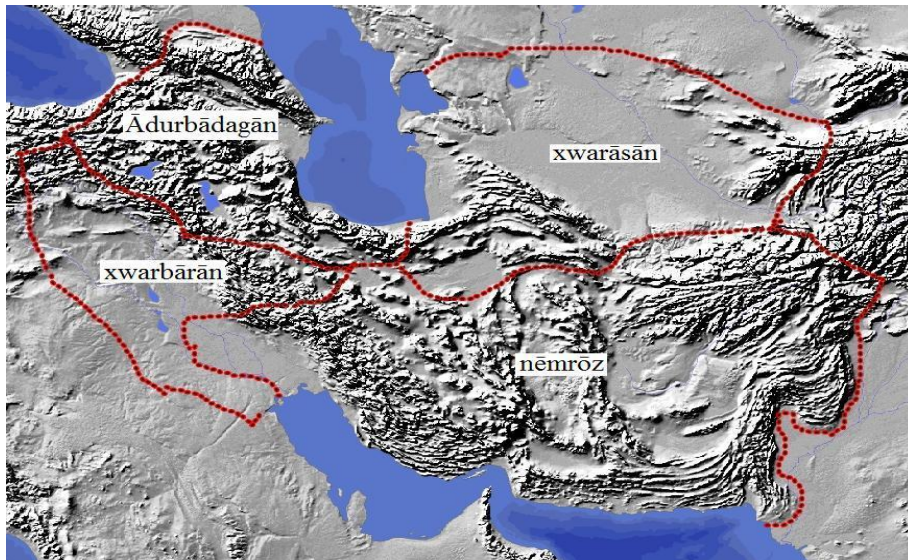
زمانی که تنش‌های نظامی و رقابت‌های تجاری میان ساسانیان و رومی‌ها به اوج خود رسید، پس از فراهم ساختن تجهیزات لازم برای یک لشکرکشی دریایی، سپاهیان دریایی ساسانی به فرماندهی «وهرز» دیلمی از بندر اُبله در نزدیکی بصر به کشتی سوار شدند و پس از حدود دو هزار میل دریانوردی در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، در نزدیکی شهر عدن کنونی از شهرهای ساحلی یمن پیاده شدند (اللهیاری، ۱۳۹۳: ۱۷۷). گفته می‌شود این کشتی‌ها ۸ تا بوده و از این تعداد ۶ کشتی توانستند به یمن برسند و حبشیان را از یمن بیرون راندند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۲/۶۹۵؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۷۵). همچنین با توجه به روایت طبری و ثعالبی ناوگان جنگی ساسانیان در زمان خسرو انوشیروان تا شرق دور دریانوردی کردند و در این زمان سیلان را فتح کردند (پاشازانوس، ۱۳۹۴: ۵۲).

با تصرف عربستان جنوبی (۵۷۰م.) توسط خسرو اول ساسانیان توانستند به این وسیله بر «دروازه اشک» تنگه واقع در مدخل دریای سرخ مسلط شوند (شپیمان، ۱۳۸۴: ۹۹). با تصرف یمن و سلطه بر تنگه عدن ساسانیان عملاً بر دو آبراه مهم تجاری یعنی تنگه هرمز در خلیج فارس و تنگه عدن در دریای سرخ مسلط شدند (کیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲۰)؛ و در واقع دو گلوگاه تجاری مهم را تحت سلطه خود درآوردند، رفت و آمد کشتی‌ها را زیر نظر گرفتند و به قدرت دریایی برتر در اقیانوس هند و دریای سرخ و خلیج فارس مبدل شدند (فرای، ۱۳۸۸: ۵۲۳؛ سامی، ۱۳۹۳: ۲۰۲-۲۰۱). آثاری از پایگاه‌های نظامی ساسانیان در بنهور واقع در سند و در کیلوه در شرق آفریقا نیز به دست آمده است (دریایی، ۱۳۹۰: ۲۱۱). به نظر می‌آید که در اواخر دوره ساسانی، آنها توانستند بر دریاها مسلط بشوند و از این رو با رومیان برخورد پیدا کردند (پاشازانوس، ۱۳۹۴: ۵۲). موقعیت دریایی خلیج فارس در جنوب قلمرو ساسانیان، نه تنها یک مانع و مرز طبیعی در مقابل یورش اعراب شبه جزیره عربستان بود، این امکان را به ساسانیان داده بود تا در دریاها به قدرت برتر و بی‌رقیب تبدیل شوند و بر ساحل عربی خلیج فارس و سواحل جنوبی شبه جزیره عربستان نیز مسلط شوند.

تقسیمات جغرافیایی راهکار نظامی جدید حکومت ساسانی

مسئله دیگر اصلاحات نظامی و تقسیمات جغرافیایی شاهنشاهی ساسانی است که در واقع به راهکاری نظامی از سوی دولت ساسانی برای برقراری امنیت مرزهای قلمروشان برمی‌گردد. این مسئله به وسعت جغرافیایی سرزمین ساسانیان و فاصله جغرافیایی بازمی‌گشت (خوانساری نژاد و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷). وجود خطر در هر گوشه و کنار سرزمین ساسانیان و بُعد مسافت از مرکز سبب شد دولت ساسانی برای دفع سریع این خطرها و برقراری امنیت در امپراتوری خود دست به تقسیمات جغرافیایی و اصلاحات نظامی بزند تا از این طریق بتواند امنیت را در گوشه و کناره قلمرو گسترده خود برقرار کند. ساسانیان بارها با حملات دشمنان خود در شرق و غرب مواجه شدند «به کرات این‌ها به جنگ در دو جبهه پرداخته‌اند، یا مجبور شده‌اند که چنین کنند» (شیپمان، ۱۳۸۴: ۸۴). در واقع این نوع واکنش نظامی ساسانیان به این حملات نظامی یک واکنش نظامی تحمیل شده از جانب موقعیت جغرافیایی آنان بود؛ و مسئله‌ی یورش و حمله‌ی دائمی در مرزهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی یک معضل همیشگی برای دولت ساسانی بود (خوانساری نژاد و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷). موقعیت جغرافیایی ساسانیان موجب شده بود که از هر جهت جغرافیایی در خطر باشند؛ چنان‌که طبری حین روایت وقایع تاریخی دوره‌ی هر مزد چهارم می‌گوید دشمنان از هر طرف به سرزمین ساسانیان حمله کردند و سرزمینشان را همچنانکه «زه دو سوی کمان را ببرگیرد» (طبری، ۱۳۷۵: ۲/۷۲۶)، محاصره کردند. تاخت و تاز اقوام شرقی در شرق، جنگ دائمی با رومی‌ها در مرزهای غربی و یورش‌های اعراب از جنوب به درون سرزمین ساسانیان «این باور را شدت بخشید که شاهنشاهی باید توانایی رویارویی با دشمنان را در مرزهای گوناگون داشته باشد» (دریایی، ۱۳۸۸: ۲۶).

به همین علت منصب «ایران سپاهبذ» که فرماندهی کل سپاه ساسانی را عهده‌دار بود، شاید توانایی برقراری امنیت در کل امپراتوری ساسانی را نداشت. با انجام اصلاحات نظامی توسط انوشیروان ضعف‌های نظامی و دفاعی ساسانیان برطرف شد و نتیجه آن نیز تقویت قوای نظامی و آغاز نبرد با بیزانس بود (انگلیت و وینتر، ۱۳۸۶: ۲۶)؛ بنابراین دولت ساسانی در یک برهه از تاریخ به این نتیجه رسید تا مقام «ایران سپاهبذ» را ملغی کند و به‌جای آن در چهار جهت جغرافیایی چهار «سپاهبذ» قرار دهند (کریستن‌سن، ۱۳۹۱: ۳۹۰). در زمان حکومت قباد و فرزندش خسرو انوشیروان دولت ساسانی به این اصلاحات در نظام مالی و لشکری اقدام کرد. تا این زمان «ایران سپاهبذ» فرماندهی کل نیروهای جنگی را بر عهده داشت؛ اما از این زمان به بعد دولت ساسانی تقسیمات جغرافیایی را انجام داد و برای هر جهت جغرافیایی یک ایران سپاهبذ قرار داد. هر بخش از این تقسیمات جغرافیایی «کوست» یا «کوستک» یا «پادوکست» می‌گفتند که معنی سمت، بخش، سوی و ناحیه می‌دهد (دریایی، ۱۳۸۸: ۴۸). در متن شهرستان‌های ایران‌شهر این چهار بخش بدین شکل آمده است: ۱- کوست خراسان (kust ī xwarāsān)؛ «بخش شمال شرقی». ۲- کوست خوروران (kust ī xwarwarān)؛ «بخش جنوب غربی». ۳- کوست نیمروز (kust ī nemroz)؛ «بخش جنوب شرقی»؛ و ۴- کوست آدوربادگان (kust ī ādurbādagān)؛ «بخش شمال غربی» (همان).



شکل (۵). نقشه تقسیمات جغرافیایی قلمرو ساسانیان

(Farrokh, 2018: 113)

سپاهبذ شرق افواج خراسان و سکستان و کرمان، سپاهبذ مغرب افواج عراق را تا سرحد دولت بیزانس، سپاهبذ شمال افواج ممالک ماد بزرگ و آذربایجان و سپاهبذ جنوب افواج پارس و خوزستان را در زیر فرمان خویش داشت (کریستن سن، ۱۳۹۱: ۳۹۰). سپاهبذان غرب و جنوب کشور، بخش هایی از سرزمین های عرب نشین غرب و جنوب غربی امپراتوری ساسانی را نیز در قلمرو خود داشتند. نواحی بحرین و عمان در حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان بخشی از قلمرو ایران به شمار می آمدند و در حوزهی سپاهبذ جنوب قرار داشتند (دینوری، ۱۳۶۴: ۴۹۲). سپاهبذ غرب نیز بر افواج میانرودان تا مرزهای بیزانس فرمان می راند (اللهیاری، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

نتیجه

قلمرو ساسانیان از چند جهت جغرافیایی به طور دائم مورد حمله و تهاجم قرار می گرفت. این مسئله باعث شد، ساسانیان به مرور زمان نقاط آسیب پذیر قلمرو خود را شناسایی کنند و اقدامات و راهکارهای دفاعی و نظامی را برای کنترل آنها انجام دهند. دولت ساسانی همواره در مرزهای غربی، به خصوص حوزه دو رود دجله و فرات، نسبت به هر گونه فعالیت نظامی رومی ها واکنش نشان می داد. اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی این سرزمین ها نقش مهمی در بروز جنگ و جهت گیری های نظامی دولت ساسانی در غرب داشته است. جدا از موانع طبیعی که خود عاملی برای محافظت از ساکنان قلمرو پادشاهی بود، ایجاد استحکامات گسترده در گذرگاه های نفوذ اقوام غارتگر در شرق و در ناحیه قفقاز و همچنین در ناحیه جنوب غربی که مورد تهاجم دائم اقوام بیابان گرد قرار می گرفت، از جمله اقداماتی بود که دولت ساسانیان برای محافظت از مرزهای خود انجام داد. مسئله نوع تهاجم اقوام بیابان گرد که بیشتر به شکل غارتگری بود در نوع فعالیت ها و راهکارهای نظامی دولت ساسانی تأثیرگذار بود. از این رو حکومت ساسانی در مرزهای شرقی و شمالی سرزمین خود بیشتر در حالتی تدافعی به سر می برد. موقعیت دریایی امکان فعالیت های تجاری و دریایی را برای ساسانیان فراهم کرده بود. ناوگان دریایی ساسانیان نه تنها در خلیج فارس و دریای عمان، در اقیانوس هند و دریای سرخ نیز رقیبی نداشت.

منابع

- آلتهايم، فرانتس و ديگران (۱۳۸۲). *تاريخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آرزومانی، فریدون (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*، تهران: پازینه.
- اللهیاری، فریدون (۱۳۹۳). *اعراب و راهبرد نظام ساسانی در بین‌النهرین و خلیج فارس و جزیره العرب*، تهران: امیرکبیر.
- استنفورد، مایکل (۱۳۹۵). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمدگل محمدی، تهران: نشر نی.
- اچ بیکر، الن (۱۳۹۲). *جغرافیا و تاریخ (پیوند مرزها)*، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۵). *خلیج فارس*، بی‌جا: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۶۷). *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیا)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- اسدین، زهرا (۱۳۹۰). *فعالیت‌های نظامی، تجاری ساسانیان در خلیج فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بیک محمدی، حسن (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- بیک محمدی، حسن (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- پروکوپيوس (۱۳۴۷). *جنگ‌های ایران و روم*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- پیگولوفسکایا، نینا (۱۳۹۱). *ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میر بهاء، تهران: ققنوس.
- پیگولوفسکایا، نینا (۱۳۷۲). *اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم-ششم میلادی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیگولوفسکایا، نینا (۱۳۸۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- پاشازانوس، حمیدرضا (۱۳۹۴). «سیراف: تجارت دریایی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۱: بهار و تابستان، صص ۶۳-۵۰.
- تاریخ کمبریج (۱۳۸۴). *سرزمین ایران*، ویراستار، ویلیام بین فیشر، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد ۱، تهران: جامی، چاپ اول.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۱). *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *قدرت و منافع ملی*، تهران: نشر انتخاب.
- حسینی ولشکلایی، سید حبیب، یوسف جمالی، محمد کریم، سنگاری، اسماعیل، ترابی فارسانی، سهیلا (۱۴۰۰). «تبیین و تحلیل نقش و اهمیت نظامی سواحل جنوبی دریای کاسپی در حفظ امنیت شاهنشاهی ساسانی (۶۵۱-۲۲۲ م.)»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۸۸: پاییز، صص ۹۸-۷۹.
- حسین طلایی، پرویز (۱۳۹۵). «جغرافیای تاریخی شهر آمد و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم در روزگار ساسانیان»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۲۱: پاییز و زمستان.
- خوانساری نژاد، احسان، موسوی کوهپر، سیدمهدی، خراشادی، سرور (۱۴۰۰). «استراتژی نظامی در امپراتوری ساسانی»، *مطالعات باستان‌شناسی*، سال سیزدهم، شماره ۳: پاییز، صص ۲۷.

- دریایی، تورج (۱۳۹۰). *ناگفته‌های امپراتوری ساسانی*، ترجمه آهنگ حقانی، محمود فاضلی بیرجندی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲). *ساسانیان*، ترجمه شهرناز اعتمادی، تهران: توس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸). *شهرستان‌های ایرانشهر*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: انتشارات توس.
- دورانت، ویلیام جیمز، دورانت، آریل (۱۳۹۶). *درس‌های تاریخ*، ترجمه محسن خادم، تهران: ققنوس.
- دورانت، ویلیامز جیمز (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن*، جلد اول، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد ابن داود (۱۳۶۴). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- روشندل، جلیل (۱۳۴۷). *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، تهران: سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، روزبه (۱۳۹۴). *تاریخ ایران باستان (۴) تاریخ سیاسی ساسانیان*، تهران: سمت.
- زین العابدین، یوسف، کارساز، انام (۱۳۸۹). «جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال سوم، ش: ۱، صص ۴۵-۵۵.
- سامی، علی (۱۳۹۳). *تمدن ساسانی*، تهران: سمت.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۳). *فلسفه جغرافیا*، تهران: گیتاشناسی.
- شییمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.
- شفیع، آرین (۱۳۹۵). *نتایج و تأثیرات رقابت‌های سیاسی-اقتصادی ایران و روم شرقی (بیزانس) در دریای سرخ*، اقیانوس هند و خلیج فارس در عصر ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات خلیج فارس، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، جلد ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۶). *ژئوپلیتیک*، تهران: سمت، چاپ دوازدهم.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۸). *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
- فرنود، رضا (۱۳۹۵). *اطلس تاریخی دوره ساسانی*، تهران: نشر نی.
- کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۹۱). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: زرین.
- کرتیس، جان (۱۳۹۴). *بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی (وازنش و باز زایی در حدود ۲۳۸ ق.م. ۶۴۲ میلادی)*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- کیان راد، حسین (۱۳۸۵). *جامعه و اقتصاد عصر ساسانی*، تهران: انتشارات سخن.
- کاویانی پویا، حمید، داغمه چی، ماریا (۱۳۹۲). «جایگاه و نقش استحکامات هیرکانیا در منازعات مرزهای شرقی ساسانیان»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره پنجم، شماره ۲: پاییز و زمستان.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی*، به تصحیح و تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- گوردن ایست، دابلو (۱۳۹۲). *تاریخ در بستر جغرافیا*، ترجمه حسین حاتمی نژاد و حمیدرضا پیغمبری، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

- مرادیان، خدا مراد (۱۳۵۵). کشور حیره در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان، بی جا: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- ماکسمیوک، کاتارزینا (۱۳۹۷): *جغرافیای جنگ‌های ایران و روم*، ترجمه حسین طلائی، تهران: امیرکبیر.
- محمودآبادی، اصغر (۱۳۸۷): *پژوهش‌هایی در تاریخ؛ فرهنگ و سیاست ایران باستان*، اهواز: مهر یار.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱). *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۳). *ایران در عهد باستان*، جلد ۱، تهران: تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۷). *شهرهای ساسانی*، تهران: سمت.
- میرزاوند، مسلم (۱۳۹۳). «جستاری در زمینه حضور نظامی ساسانیان در خلیج فارس»، *فصلنامه پارسه*، سال چهاردهم، ش: ۲۳، صص ۱۵۳-۱۴۰.
- نولدکه، تئودور (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی.
- هندجانی، محمد، محمدی فر، یعقوب (۱۳۹۶). «نگاهی به متصرفات انیرانی ساسانی در قفقاز جنوبی بر اساس داده‌های باستان‌شناختی»، *مطالعات تاریخی فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ*، سال هشتم، ش: ۳۲، صص ۱۰۳-۸۱.
- وینتر، انگلبرت، دیگناس، بئاته (۱۳۸۶). *روم و ایران: دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: فروزان روز.
- Brosius, Maria (2006): *Peoples of the Anclent World: The Persians*, Routledge, USA and Canada.
- Daryae, T. 2003. *The Persian Gulf Trade in Late Antiquity*, *Journal of World History*, vol. 14, 1:1-16.
- Farrokh, Kaveh & Karamian, Gholamreza & Maksymiuk, Katarzyna (2018): *A Synopsis of Sasanian Military Organization and Combat Units*, Siedlce University of Natural Sciences and Humanities, Poland.
- Huyse, Ph (1999). "Shahpur, Ka'bai-yi Zardusht", *Die dreisprachige Inschrift Shabuhr I. an. Der Ka'ba-I Zardusht*, vol. 1, *Corpus In Scriptionum*, London.
- Goldstin, Joshua s, (1999) : *International Relations*, Longman, Newyork.
- Winter, E.& Dignas, B. (2007): *Rom und das Perserreich. ZweiWeltmachte zwische confrontation and koexistenz*, Cambridge University Press, United States of America.
- Maksymiuk, Katarzyna (2015): *Geography of Roman IranianWars. Military Operations of Rome and Sasanian Iran*, UPH, Siedlce, Poland.
- Rezakhani, Khodadad (2017): *Reorienting the Sasanians East Iran in Late Antiquity*, Edinburgh University Press, Stockport.